غیر مقبول بودن تاویلات اخبار عدد نزد فیض کاشانی

«ثم أول تلك الأخبار بتأويلات لا تخلو من بعد»؛ می‌گوینند تاویلاتی شده که این تاویلات هم خوب نیست.

تاویل اول؛ **«كتأويله «ما صام رسول الله (صلى اللّه عليه و آله) أقل من ثلاثين يوما» بأنه تكذيب للرواي من العامة عن النبي (صلى اللّه عليه و آله) انه صام تسعة و عشرين أكثر من ما صام ثلاثين»؛** دارد می‌گوید اقل و اکثر، حضرت هم راوی را تکذیب کردند. از حیث صرفاً اقلیت و اکثریت. می‌گوینند اینکه با بقیه کلام جور در نمی‌آید؛ **« فان هذا لا يجري في تتمة الكلام من قوله «و لا نقص شهر رمضان منذ خلق الله السماوات من ثلاثين يوما و ليلة».**

«و كتأويله «شهر رمضان لا ينقص أبدا»»؛ شهر رمضان همیشه ناقص نیست. می‌گوینند باز این هم جور در نمی‌آید. چه تاویلی است؟! **«فإنه لا يجري في سائر ألفاظ هذا الخبر».**

«و كتأويل «لم يصم رسول الله (صلى اللّه عليه و آله) أقل من ثلاثين يوما» بأنه لم يصم أقل منه على أغلب أحواله كما ادعاه المخالفون»؛ آنها می‌گوینند غالب روزهایی که حضرت روزه گرفتند، ناقص بوده. یعنی غالب ناقص بوده. اینها تاویلاتی است که ایشان می‌فرمایند اینها درست نیست. مفاد احادیث با این تاویلات جور نیست. تاویلاتی است که نه تنها خلاف فهم از آنها است، بلکه ظهورات روشن خود روایت و بلکه تصریح خود روایت بر خلاف این تاویلات است.

> **و بالجملة فالمسألة من ما تعارض فيه الاخبار لامتناع الجمع بينها إلا بتعسف شديد، فالصواب أن يقال فيها روايتان: إحداهما موافقة لقاعدة أهل الحساب و هي معتبرة إلا انها انما تعتبر إذا تغيمت السماء و تعذرت الرؤية- كما يأتي في باب العلامة عند تعذر الرؤية بيانه- لا مطلقا و مخالفة للعامة على ما قاله في الفقيه، و ذلك من ما يوجب رجحانها إلا انها غير مطابقة للظواهر و العمومات القرآنية، و مع ذلك فهي متضمنة لتعليلات عليلة تنبو عنها العقول السليمة و الطباع المستقيمة و يبعد صدورها عن أئمة الهدى (عليهم السلام) بل هي من ما يستشم منه رائحة الوضع،**
>
> **و الأخرى موافقة للعامة كما قاله و ذلك من ما يوجب ردها إلا انها مطابقة للظواهر و العمومات القرآنية، و مع ذلك فهي أكثر رواة و أوثق رجال و أسد مقالا و أشبه بكلام أئمة الهدى (عليهم السلام) و**

> **ربما يشعر بعضها بذهاب بعض المخالفين الى ما يخالفها، و الخبر الآتي آنفا كالصريح في ذلك. و فائدة الاختلاف إنما تظهر في صيام يوم الشك و قضائه مع الفوات، و قد مضى تحقيق ذلك في اخبار الباب الذي تقدم هذا الباب و فيه بلاغ و كفاية لرفع هذا الاختلاف و العلم عند الله.[1]**

«و بالجملة فالمسألة من ما تعارض فيه الاخبار لامتناع الجمع بينها إلا بتعسف شديد»؛ نمی‌توان بین آنها جمع کنیم. پس حال می‌گوییم دو دسته روایت هست، چه کار کنیم؟

«فالصواب أن يقال فيها روايتان: إحداهما موافقة لقاعدة أهل الحساب و هي معتبرة إلا انها انما تعتبر إذا تغيمت السماء و تعذرت الرؤية»؛ روایات ثلاثین باری وقتی است که رویت نباشد. این باری آن جا است.

«و مع ذلك فهي متضمنة لتعليلات عليلة»؛ یعنی آنها را حمل کردند، ولی می‌گویند تعلیلاتی دارد که **«يستشم منه رائحة الوضع».**

«و الأخرى موافقة للعامة»؛ روایت رویت، **«كما قاله و ذلك مما يوجب ردها إلا انها مطابقة للظواهر و العمومات القرآنية، و مع ذلك فهي أكثر رواة و أوثق رجالا و أسد مقالا و أشبه بكلام أئمة الهدى عليهم‌السلام».**

این مروری سریع بر فرمایشات مرحوم فیض بود در ارای به این روایات و تاویلات آنها، بعد هم جمع خود ایشان بود. عرض کردم صاحب حدائق هم فرمودند محمل این روایات تقیه است، تقیه ی به‌معنای صرف القاء خلاف. این خلاصه فرمایشات تا اینجا بود. اما باید بر این روایات مروری داشته باشیم تا ببینیم احتمال دیگری هم در آنها هست یا نه.

---

[1] همان

بازبینی #1
ایجاد شده 18 آوریل 2026 09:56:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 آوریل 2026 10:11:46 توسط ... .